

گسک و حیوان



نوشتی

علی اکبر علی نیا

سرشناسه	:	علی‌نیا، علی‌اکبر، ۱۳۳۱ -
عنوان و نام پدیدآورنده	:	سگ و چوپان / نوشته‌ی علی‌اکبر علی‌نیا.
مشخصات نشر	:	تهران: سالمی: جامه‌نگر، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری	:	۲۸۸ ص.
شابک	:	۹۷۸-۹۶۴-۸۷۶۰-۷۶-۷
وضعیت فهرست‌نویسی	:	فیا.
موضوع	:	داستان‌های فارسی — قرن ۱۴.
ردمبندی کنگره	:	۱۳۸۸ س ۸ ۹۸۸۲۳۳ / ل ۸۱۵۱ / PIR
ردمبندی دیویی	:	۸۶۱/۶۲
شماره‌ی کتاب‌شناسی	:	۱۰۶۶۵



- سگ و چوپان
- نوشته‌ی: علی‌اکبر علی‌نیا
- ناشر: نشر سالمی
- نوبت و سال چاپ: اول - ۱۳۸۹
- شمارگان: ۵۰۰ نسخه
- حروفچینی و صفحه‌آرایی: آرسا کو
- طرح جلد: سالمی
- لیتوگرافی: آبرنگ، چاپ: افرنگ، صحافی: چاوش
- بها: ۵۰۰۰ تومان
- شابک: ۷-۷۶-۸۷۶۰-۹۶۴-۹۷۸

مراکز پخش و فروش

- نمایشگاه و فروشگاه مرکزی جامه‌نگر و نشر سالمی
- تهران: خ انقلاب - مقابل درب اصلی دانشگاه تهران - خ فخر رازی - خ نظری غربی - شماره ۸۴
- تلفن: ۶۶۴۹۳۷۱۶ - ۶۶۴۹۳۱۸۷

پیش‌گفتار

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خداوند بخشنده مهربان

خواننده‌ی عزیز! دنیا دنیایی پیچیده است، چون کلاف سردرگم و بی‌وفا که وفا به هیچ‌کس ندارد. من چون بی‌وفایی دنیا را شناختم و از فریب این زال داستان‌نمای آگاه شدم و بدانستم که عروس شوهرکش دنیا بسی شیونگان محبت خود را از یافتن مراد ناامید کرد و این معشوق عذار ناسازگار بسیار عاشقان سرافراز را از پای درآورده با خود گفتم ای ابله! دل در دوستی کسی می‌بندی که دست رد بر سینه‌ی هزاران پادشاه کارکنار نهاده است و خون جمعیت چندین شهریاران نامدار به باد نیستی برداد.

از سر این معامله درگذر و بر ره‌گذاری که دم به دم عزم رحیل می‌باید کرد، خانه مساز. از خواب غفلت بیدار شو که وقت تنگ است و مرکب عمل لنگ؛ و از عمر کوتاه توشه‌ای بردار که راه دور و دراز است و تاب آتش بادیه جل‌گذار نیست...

دنیا بسیار دنیای پیچیده‌ای است و پیچیده‌تر از آن، سرگذشت ما انسان‌ها می‌باشد. هیچ‌کس نمی‌داند عاقبتش به کجا ختم می‌شود، عاقبتش چه خواهد شد. چه بسا اشخاص نامدار و مشهور، عاقبت در تنگدستی و گمنامی می‌میرند و چه افراد گمنامی که عاقبت به نوایی می‌رسند و مشهور می‌شوند؛ واقعاً زندگی کلافی سردرگم است.

ای خواننده‌ی گرامی! هرگاه بدانی که اهریمن غرور و خودپرستی به تو روی آورده، به تقواالله متمسک شو و به آیات و کتاب‌الله بپرداز و لاجرم، راه اهل قبور در پیش گیر و به آن آرامگاه ابدی قدم‌گذار و از روی دقت بر لوح سنگ مزاری نظر کن و خواهی دید که نام شخصی بر آن حک شده؛ سپس او را به نام بخوان و از او سؤال کن و بگو ای کسی که چون من مدتی در این مهمان‌سرای دنیا بودی و اکنون با کمال آرامش در این مکان خفته‌ای، آیا تو را دیگر آرزویی نیست؟

آیا از فقر و تهی‌دستی شکایتی نداری؟ آیا از ترس از دست رفتن ثروت و اموالت آشفته و برهم

نیستی؟ آیا تو از همسایگان و همسایگان از تو به رنج اندر نیستند؟ آیا محل آرامش تو امن است و بگو افسوس که دیگر نمی‌توانی ببینی اموالی که با آن همه تلاش به دست آورده بودی، اکنون وارثان تو در مصرف آن چگونه اسراف می‌کنند و در تقسیم کردن آن، چنان با یکدیگر به نزاع پرداخته‌اند.

بی‌شک از این سئوال‌ها جوابی نخواهی شنید، زیرا او دیگر به این عالم تعلق ندارد. پس بهتر آن است که خود را مخاطب قرار داده و بگویی که در این مکان، چه نوجوانانی که با دل پرآرزو به خواب رفته‌اند و چه پهلوانان که با سری مملو از هیاهوی دوست و دشمن، بدون مزاحمت و تعرض در کنار هم آرمیده‌اند و چگونه دلبران سیمین‌بدن ماه‌رخسار و عاشقان دل‌باخته‌ی بی‌قرار که دل از یار و دیار برگرفته و چشم از زشت و زیبا پوشیده و در آغوش مادر خاک، به خواب ابدی فرو رفته‌اند و از آن همه نواب و دانشمندان و شعراء ابداً اثری باقی نیست و چون تمام آن مشهودات از نظر گذشت، سر به آسمان بلند کن؛ خواهی دید که خورشید همچنان به نورافشانی خود ادامه می‌دهد و ابر و باد و مه و تمام عناصر طبیعت همه به کار خود مشغولند، گویی هرگز اتفاقی نیفتاده و هیچ گونه وقایعی در این دنیای خاکی رخ نداده است.

فقط پدیده‌های عالم خلقت با چشمی از خیرات می‌نگرند، بدین معنی که ای ساکنان کره‌ی خاکی! آیا هیچ می‌دانید که صاحبان عقول از رفتار شما در شگفت هستند؟ با این که همه‌ی شما می‌دانید جمیعاً در این دنیا فانی هستید و این دنیا از پیشینیان به شما رسیده و شما به آیندگان خواهید سپرد، مع‌الوصف چند روزی بیش در این عالم خاکی نخواهید بود، با این حال چگونه دل دیگران را با حرف‌های رکیک و نامربوط به درد می‌آورید، چگونه عقده‌ی دل خودتان را به روی دیگران خالی می‌کنید؟

آیا بهتر نیست این عقده‌ی حقارت که در دل‌های شما جای گرفته، بیرون بریزید و به جای این که فی‌المثل به خاطر هیچ به مهمان خود پرخاش کنید، آیا بهتر نیست که احترام مهمان را نگهدارید و حریم مهمان و مهمان‌نوازی را نشکنید؟ مگر شما نخواهید مرد؛ مگر شما در این دنیای فانی تا ابد می‌مهمانید؟ نه! به خود آی و با دیگران مهربان باش.

دیگر این که ای خواننده‌ی عزیز؛ از خواندن سرگذشت «سگ و چوپان» پند بگیر، زیرا دنیا و زندگی همیشه یکسان نیست، انسان باید با صبر و حوصله، بر مشکلات زندگی چیره شود؛ به امید خدا...

«مهمانت را عزیز و محترم بدار، ولو این که دشمنت باشد.»

علی اکبر علی‌نیا

۸۷/۱۰/۲۷